به نام خدا

**نکاتی از کتاب روش تحقیق با تاکید بر حوزه قرآن و حدیث**

دکتر پاکتچی- انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

- روش تحقیق با روش پایان نامه نویسی متفاوت است.

- محقق به کسی گفته می‌شود که نوآوری، قدرت تحلیل بالا و اندیشه‌های نوینی داشته باشد.

متتبع کسی است که اقوال و نظریات علمای مختلف در یک یا چند رشته را کاملاً می‌شناخت و لو اینکه خودش صاحب‌نظر نبود.

-حدود 200 سال از عمر اصطلاح نوین «تحقیق» در غرب می‌گذرد. (از سال 1804 میلادی)

Research هم زدن و زیرورو کردن چیزی به‌منظور جستجو نمودن است.

- method کلمه یونانی به معنای فهم و روش فارسی است و در اصل به معنای راه است. راهی که باید برای کشف مجهولی طی کرد که گاهی راه سختی است.

**ارکان پژوهش**

هدفمند بودن، روشمند بودن، مستند بودن، دقیق بودن.

و داشتن زبان مشترک (عدم استفاده از اصطلاحات اختراعی خود)

**گونه‌های پژوهش**

1- تبیینی (به دنبال اثبات فرضیه قابل پیش‌بینی)

2- اکتشافی (یافتن نتیجه‌ای که قابل‌تصور در نگاه ابتدایی نبود)

اکتشافی به دلیل دقت در روش‌ها به این نتیجه می‌رسد، پژوهش اکتشافی نیاز به کاوش و سابقه زیاد دارد. کسی که اولین کار پژوهشی انجام می‌دهد پژوهش تبیینی دارد.

**تقسیم‌بندی دیگر از گونه‌های پژوهش**

1- پژوهش تاریخی (مرئی سازی تاریخی، مقایسه زمان‌دار مانند بررسی نوحه‌خوانی مذهبی در حالا و 40 سال قبل)

2- مقایسه‌ای یا تطبیقی (مقایسه یک پدیده با نمونه‌های مشابه: مقایسه یک اتاق با اتاق دیگر، مقایسه مراسم عزاداری بزرگان دینی با مسیحیان اسپانیا)

3- پژوهش تحلیلی مقایسه یک پدیده بما هو، مقایسه و تحلیل اجزا و لوازم چیز.

امکان ترکیب سه نوع پژوهش فوق نیز وجود دارد: تاریخی- تحلیلی، تطبیقی- تحلیلی یا تاریخی- تحلیلی- تطبیقی

- مطالعه ادیان گاهی توسعه‌ای است (بیان نظریه جدید در دین) و گاهی شناختی است. (تبیین درست دستورات دین)

**مراحل انجام یک پژوهش**

1- دریافت موضوع

2- یافتن مدل و اجرای روش

3- بسط و تدوین

**روش‌های واکاوی و واسازی**

الف: مشخص کردن تقابل‌های دوگانه علی علیه‌السلام و خوارج که علی علیه‌السلام و اصحاب بنی سقیفه که ابوسفیان در این مذبذب است و باعث پیدا شدن قطب جدیدی می‌شود.

ب: مشخص کردن قطب برتری و سبب برتری: علی علیه‌السلام و خوارج طبق علی مع الحق...، جنگ‌های رده و ابوبکر – تقابل خلیفه با مرتدان شیعه قائل به‌تفصیل است

ج: واژگون کردن جهت بازخوانی الگو بر پایه سویه فروتر (رستم و اسفندیار که جای رستم و اسفندیار را عوض می‌کنیم که رستم ناجوانمردانه با کمک سیمرغ اسفندیار را کشت)

**واسازی به یاری دلالت‌های چندگانه:**

الف: گاهی در تاریخ سوءتفاهم پیش‌آمده است، لذا باید دلالت‌های چندگانه را بشناسیم (مثلاً شیر به 4 معنا) آن را واکاوی کنیم مثلاً دلالت مولا در «من کنت مولاه فهذا علی مولاه»

ب: بررسی خوانش‌های برتر: فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع که می‌توانند دو نوع برداشت شود: یک: اعراب یک تا ده زن می‌گرفتند و آیه محدود کرد.

دو: اعراب یک زن می‌گرفتند و اسلام راه را برای زنان بی‌سرپرست باز کرد.

خوانش دوم معروف نیست ولی راهگشا است.

واسازی به یاری واکاوی وضوح: گاهی در یک متن هنرپیشه و مطلب اصلی را داریم و گاهی چند نفر دیگر نقش فرعی دارند مانند هنرپیشه اصلی فیلم و سایر بازیگران (راننده تاکسی، پرستاری که از کنار دکتر در بیمارستان رد می‌شود و کار خاصی انجام نمی‌دهد) برای پژوهش باید عناصر زائد را کنار زد بررسی عناصر کلیدی را در سامانه قرارداد.

مثال: در این مکان ماهی تازه به فروش می‌رسد – در کنار دریا کسی زده باشد که در این مکان معلوم است، ماهی در کنار دریا، تازه است لذا «تازه» هم زائد است، ماهی را مجانی هم نمی‌دهند پس به فروش می‌رسانند، پس «به فروش می‌رسد» هم زائد است. هر کس هم نگاه کند می‌بیند که ماهی است پس آن هم زائد است. (این مطلب شوخی است)

مثال علمی: بررسی مسائل علمی‌بیمه، کلمه «بررسی» هیچ نقشی ندارد زیرا که قرار نیست در این پایان‌نامه، کاری جز «بررسی» انجام بگیرد.

مثال: «مسئله فقهی بیمه» به بررسی اخلاق بیمه نمی‌پردازد و بیمه در جامعه اسلامی‌مانع اغیار نیست ولی موضوع «تحلیل تاریخی مسائل بیمه در فقه اسلامی» عنوان مناسبی است.

**ترجمه وارونه**

هر عبارتی که قرار است وضوح معنای آن را بسنجیم به زبان دیگر ترجمه می‌کنیم، سپس عبارت به‌دست‌آمده را به فرد دیگری می‌دهیم تا آن را به همان زبان اولیه ترجمه کند، ازآنجاکه مترجم دوم از ذهن مترجم اول خبر ندار، وقتی آنت را به زبان اولیه ترجمه می‌کند، به‌خوبی می‌توان فهمید که کجای این عبارت وضوح ندارد. متد بررسی «analysis و research و study» ترجمه می‌شود.

(ما در زبان فارسی اغلب با فهم اجمالی مواجهیم ولی در ترجمه کردن با فهم تحلیلی درگیر می‌شویم و تفاوت برداشت پیش می‌آید، لذا ترجمه در این موارد کارساز است.)

مثال: کرامت انسانی که آیه قرآن می‌فرماید: و لقد کرمنا بنی‌آدم... و حملنا هم فی البر و البحر

 ولی ما اغلب به بحث‌های اومانیستی و ارزشمندی انسان و ... روبرو می‌شود و ترجمه به انگلیسی مشکل را در این زمینه حل می‌کند تا وضوح معنا روشن شود.

در ترجمه وارونه باید، ترجمه مورد قبولی را در ابتدا ارائه دهیم نه جایی که به آن منتقد هستم.

**واسازی به یاری طرد و عکس**

طرد: آزمون جامعیت، عکس: آزمون مانعیت

مثلاً به کمک روابط سببی و مسبّبی که به‌ظاهر مستحکم شده‌اند یا کوشش در جهت نشان دادن مواردی که ثبوتاً یا نفیاً از این اسباب پیروی نکرده‌اند.

مثال عینی: پول‌های شبه‌جزیره هند باعث توسعه‌یافتگی انگلستان شده است. درحالی‌که ما می‌بینیم که پرتغال زودتر استعمار گری را شروع کرد ولی خیلی عقب‌مانده است (حتی به‌زور وارد اتحادیه اروپا شد) و مکان مستعمره‌ای ندارد ولی خیلی توسعه‌یافته است.

اگر قیودی را به مسئله اضافه کنیم می‌توانیم خوانش را اصلاح کنیم مثلاً ثروت هند در کنار استعداد و توان صنعتی انگلیسی تا باعث توسعه انگلستان شد.

**فرق‌گذاری بین تبیین و توجیه**

1-توجیه به سبب گرایش‌های غالب

الف: تعصبات مذهبی (دعوای علی (علیه‌السلام) و یک یهودی بر سر زره که ما نباید حکم را به مسلمان بدهیم چون شاهد نداشت.)

ب: تعصبات قومی‌و ملی ابن‌سینا ازبک است زیرا اهل بخاراست و بخارا الآن در وسط ازبکستان است، تاجیک است زیرا اهالی بخاری تاجیکی صحبت می‌کنند ایرانی است چون مقبره‌اش در ایران است، (داخل ایران هم دعواست، همدان و اصفهان و ...)

ج: تعصبات صنفی یک متخصص علوم قرآن و حدیث شیخ طوسی را ابتدا مفسر می‌داند سپس فقیه، برعکس متخصص فقه که معتقد است شیخ طوسی تیمناً و تبرکاً تفسیری هم دارد. (فیلسوف و مفسر بودن علوم طباطبایی)

2- توجیه به‌عنوان جبران ناآگاهی (الناس اعداء ما جهلوا)

الف: فاصله تاریخی از زبان: الذین هم عن صلاتهم ساهون سهو در زمان ما به معنای معروف است که از امت برداشته‌شده است: رفع عن امتی تسع- ولی سهو در زبان ادبیات عرب صدر اسلام به معنای «تعلّل» است نه «اشتباه کردن».

حتی راغب هم این مسئله را توجیه کرده است.

ب: فاصله تاریخی از گفتمان: مثلاً خوارج که اعتقاد به علی علیه‌السلام دارند، حضرت را مجبور به ملکیت می‌کنند، خودشان حکم یقین می‌کنند «ابوموسی اشعری» و بعد شعار لا حکم الّا الله می‌دهند و از حضرت توبه می‌خواهند. این شاخص رفتار در اول امر برای ما غامض است، لذا توجیه همیشگی را بکار می‌بریم و می‌نویسیم: این‌ها دیوانه بودند!

علت این تفسیر ما آن است که تفسیر را «مذهبی» دیده‌ایم نه «اجتماعی» درحالی‌که اجتماعی و به بافت قبیله‌ای لشکریان امام علی علیه‌السلام مربوط می‌شود که هرکدام از یک گروهی بودند و هریک شرایط اجتماعی ویژه‌ای داشتند.

- کمیل بن زیاد گفت ابن عباس حکم نباشد بلکه از قبایل یمنی حکم باشد (نخع از تیره‌های مذجح یمنی است.)

- دشمنی بنی‌امیه با بنی‌هاشم مانع حکمیت ابن عباس می‌شود (مشکل ابن عباس را قریش بودن معرفی می‌کنند.)

واکاوی به معنای به نتیجه رسیدن نیست بلکه به معنای «کشف سؤال صحیح» است.

**روش‌شناسی**

روش‌شناسی صرفاً صورت انتظام یافته همان چیزهایی است که آن‌ها را از قبل می‌دانید (لذا مانند جعبه سیاهی نیست که فوری جواب سؤالاتمان را بدهد).

**انواع مطالعه**

1- مطالعه تاریخی

1-1- تاریخ اندیشه یا انگاره (مطالعه تاریخی درجایی مفید است که یک فکر، انگاره، اندیشه یا مفهوم در طول تاریخ دچار شقاوت شود، بررسی آتش‌فشانی بودن دماوند در هزار سال گذشته ثمره‌ای ندارد چون تغییر نکرده است).

1-1-1- گونه در تحول انگاره

1-1-1-1- توسعه معنایی: جهمیه در ابتدا قائل به خلق قرآن بود ولی بعد معنا توسعه یافت و به تمام معتزله و... را نیز شامل شد. لذا وقتی ابن حنبل می‌نویسد «... علی الجهمیة» این معنای اعتقادات جهم بن صفوان نبود که معنا بعداً توسعه‌یافته است.

- زندیق از زند و زندیک یعنی کسی که زند نویس است و زند تفاسیر اوستا است پس زندیق یعنی تفسیر پژوه اوستا ولی از قرن دوم به بعد زندیق یعنی هر فرد بددینی که دین قابل‌تحملی ندارد.

لذا زمانی که می‌گوید زندیقی پیش امام آمد نه اینکه فرد بی‌دینی بلکه عالم اوستایی.

-2-1-1-1 تحدید معانی

عجم: کسانی که عربی نمی‌دانند و بعداً به ایرانیان (از قرن سوم)

استسحان: هر نوع گزینش یا نتیجه‌گیری بر پایه رأی شخصی (انتقال از قیاسی به رأی دیگر، از اواخر قرن سوم به بعد)

2- مطالعه تطبیقی:

2-1- مطالعه تطبیقی خرد: مقایسه داستان آدم در قرآن و عهدین

2-2- مطالعه تطبیقی کلان: مقایسه داستان آدم در قرآن و عهدین و پان کو در قصص چینی

در مطالعه خرد، دو سوژه موردمطالعه مستقیماً به ساختاری بزرگ (مثلاً وحی) تعلق دارند

خرد: مقایسه مفهوم نبی در قرآن کریم و عهد عتیق

کلان: مفهوم نبی در قرآن کریم و مفهوم بودا در اندیشه بودائی

3- مطالعه تحلیلی

تحلیل عبارت است از دستیابی به کارکرد واحدهای کوچک‌تر درون واحد بزرگ‌تر. در تحلیل به دنبال کارکرد هستیم (کارکردهای درون مجموعه)

مثال تحلیلی داستان پسرک باهوش: که خری را تحلیل کرده بود، چشم‌چپ کور، لنگیدن پای راست و داشتن بار گندم

تنها سؤال در تحلیل: الگوی ساخت (انتخاب در ترکیب) و نقش اجزا چیست؟

**مراحل اجرایی پژوهش**

1- یادداشت‌برداری از اندیشه‌های شخصی و منابع (ارجاعی)

یادداشت‌های شخصی مانند نطفه درون تخم‌مرغ هستند که تعدادش کم ولی مولد است. اگر مرغی 500 روز روی 20 تخم‌مرغ بدون نطفه بخوابد، جوجه‌ای بیرون نمی‌آید. اگر فردی هم 200 هزار یادداشت از کتب مختلف بردارد، یک کار پژوهشی تولید نخواهد شد.

اندیشه‌های شخصی را باید نوشت، پرورش داد (تا اگر کس دیگری هم آن را خواند، بتواند به کل مسئله پی ببرد).

عادت به تولید نوشته‌های کوتاه یک‌صفحه‌ای می‌تواند در راستای کار پژوهشی، بسیار مفید واقع شود.

**یادداشت‌های ارجاعی**

الف: برداشت مستقیم (ساده‌ترین و ممنوع‌ترین «اشکال اصلی برخی پایان‌نامه‌ها: کثرت نقل‌قول مستقیم»)

ب: برداشت با کاهش

ج: برداشت با افزایش

موارد تجویز نقل‌قول

الف: نقل عبارت‌های دارای خصوصیت و استقلال هویتی

- هویت دینی: آیات، احادیث، عبارات کتب مقدس

- هویت حقوقی: ماده‌های قوانین، مقررات و ...

- هویت فرهنگی: شعارها، ضرب‌المثل‌ها

ب: نقل عبارت‌هایی که به سبب پیچیدگی تا نکته‌ای خاص موضوع بحث بوده‌اند.

**استانداردهای نقل‌قول**

1- مطلب باید عیناً نقل شود بدون جابجایی در مطلب و کلمات

2- در صورت تفاوت زبانی، ترجمه به زبان مقاله یا رساله (مگر در پژوهش‌هایی که ظرفیت دوزبانی داشته باشند)

3- مطلب منقول باید به‌صراحت به مرجع گوینده نسبت داده شود.

4- مطلب منقول، نباید به‌گونه‌ای تقطیع شود که معنا دچار تحریف شود.

5- به هنگام آغاز نقل‌قول باید از مشتقات فعل گفتن یا فعلی معادل آن استفاده شود از قبیل می‌فرماید، فرمود، می‌گوید، گفت، فلانی بر این باور است که فلانی معتقد است که و ...

و بعد از نقل‌قول، آدرس ارجاع ذکر شود.

6- نقل‌قول تا باید کاملاً از هم جدا شوند و نقل‌قول یک نفر با نقل‌قول نفر دیگر تلفیق نشود.

7- استفاده از علامت‌های «» در ابتدا و انتهای نقل‌قول و علامت «...» در مواضع تقطیع.

8- قرار دادن واژه تا یا عبارات افزوده به اصل، در میان علامت [کروشه]

2- فرآوری منبع به‌عنوان اساس پژوهش

- انتخاب منبع اساسی

- تعیین محدوده صافی سازی داده تا

- انتخاب شاخص برای مرتب‌سازی

- تکمیل شاخص‌های مبنا در مرتب‌سازی

- تکمیل اطلاعات از منابع جانبی

- انجام مرتب‌سازی

فیش‌برداری در مواردی که نقل‌قول مستقیم نیست باید با قلم خودمان و بیان خودمان باشد.

برداشت مستقیم نتیجه یکی از اوامر است:

الف: ترس از اینکه عبارات را برداشت کنیم، خودمان را شایسته نمی‌بینیم.

ب: توانایی برداشت را داریم ولی تنبل هستیم که هیچ‌کدام عذر موجهی نیست.

- کلمه ظاهراً را درجایی به کار می‌بریم که شک داریم.

-احتمالاً را درجایی به کار می‌بریم که شک زیاد داشته باشد.

- در فیش‌برداری باید به نام کتاب و هدف از تألیف آن دقت شود مثلاً اگر فیش از کتاب الضعفاء عُقَیلی نقل‌شده، هدف کتاب تضعیف فرد است، حتی اگر از آن مدحی کرده باشد.

مثال دیگر: اگر در تاریخ دمشق به نام کسی برخوردیم یعنی اینکه وی اهل دمشق بوده است زیرا ابن عساکر تاریخ دمشق را نوشته است.

- گاهی در ضمن مطالعه مطلبی می‌یابیم که ربطی به موضوع ما ندارد، بلکه برای موضوعات دیگر و مقاله دیگر مفید است، این مطالب را فیش‌برداری می‌کنیم ولی در مقاله موردنظر به کار نمی‌بریم بلکه برای مقالات دیگر نگه می‌داریم. این مطلب درواقع گوهری است که به‌طور تصادفی پیدا کردیم.

- کارهای پژوهشی کارهای پرزحمت و غیراقتصادی است.

- ممکن است در ابتدای کار پژوهش به نظر برسد که هیچ داده و اطلاعاتی درباره یک موضوع خاصی وجود ندارد.